

**الف) اصول دین**; یعنی اساسی ترین عقاید اسلام که پایه و ریشه مذهب بوده و شامل پنج اصل می باشد:

**1. توحید**: اعتقاد به یگانگی خدا، خدایی که خالق جهان هستی است و از همه چیز آگاه است و هست و نیست ما در دست اوست و بر هر کاری تواناست.

**2. عدل**: اعتقاد به اینکه خداوند نه حق کسی را از بین می برد و نه حق کسی را به دیگری می دهد نه ظلم می کند و نه در میان افراد تبعیض قائل می شود و او به تمام معنا عادل است، چرا که نیاز به هیچ چیز و هیچ کس ندارد.

**3. نبوت**: اعتقاد به اینکه خداوند برای هدایت و ارشاد انسانها راهنمایان و پیامبرانی را برانگیخته و به برخی از آنها کتاب آسمانی داده تا راه مستقیم سعادت را به افراد بشری بیاموزند و آنان را از بدی ها و زشتی ها بازداشته، در راه پرفراز و نشیب زندگی به آنها کمک کنند.

**4. امامت**: اعتقاد به جانشینی امامان معصوم(علیهم السلام) بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای رهبری جامعه اسلامی و پاسداری از عقاید و احکام در هر عصر و زمان به نمایندگی از طرف پیامبر(صلی الله علیه وآله) است .

در زمان غیبت او، نیابت به صورت عام برای فقیهان جامع الشرائط است یعنی هر کس دارای علم و دانش کافی برای درک احکام اسلام از منابع دینی توأم با تقوی و عدالت بوده باشد، به عنوان نایب امام زمان(عج) و با شرایطی مرجع تقلید خواهد بود، و عهده دار تبیین و تبلیغ احکام اسلام می گردد.

**5. معاد**: ایمان به روز رستاخیز و زنده شدن بعد از مرگ و اینکه مرگ پایان حیات انسانی نیست بلکه مرگ پل و واسطه این دنیا با سرای آخرت است و انسانها پس از مردن بار دیگر زنده شده و در محکمه عدل الهی حضور یافته و هر کس به جزای اعمال خود می رسد.

ایمان به معاد عامل مهم تربیت انسانی است؛ به این ترتیب موج نیرومندی از احساس مسؤلیت در برابر هر کار در اعماق روح انسان ایجاد کرده تا او را در برابر انحراف و گمراهی، ظلم و تجاوز کنترل کند.

**ب) فروع دین**; شامل دستورات و تکالیف عملی و احکامی است که از سوی خداوند به وسیله پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت فرستاده شده است. مهم ترین این فروع عبارتند از:

1. نماز، 2. روزه، 3. خمس، 4. زکات، 5. حج، 6. جهاد، 7. امر به معروف (دعوت به انجام کارهای خوب و نیک)، 8. نهی از منکر (بازداشتن از انجام کارهای بد و ناپسند)، 9. تولی (دوستی با دوستان خدا)، 10. تبری (دشمنی با دشمنان خدا).

## شرایط مرجع تقلید

عادل، زنده، مرد، بالغ، شیعه دوازده امامی و در مسایل اختلافی اعلم باشد.

- اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

**مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:**

الف) خود انسان یقین کند؛ مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

ب) گواهی دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند؛ به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

ج) عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

## راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

1. شنیدن از خود مجتهد.

2. شنیدن از دو نفر عادل.

3. شنیدن از يك نفر مورد اعتماد که از گفته او اطمینان پیدا می شود.

4. دیدن در رساله مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد.

۱. واجب: کاری است که انجام آن لازم می باشد و ترك آن عذاب دارد; مانند نماز، روزه و... .
۲. حرام: کاری است که ترك آن لازم و انجامش عذاب دارد; مانند دروغ، ظلم و... .
۳. مستحب: به کاری گویند که انجامش نیکوست و ثواب دارد; ولی ترك آن عذاب ندارد; مانند سلام کردن و صدقه دادن.
۴. مکروه: کاری است که ترك آن نیکو می باشد و ثواب دارد; ولی انجامش عذاب ندارد; مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.
۵. مباح: به کاری گویند که انجام و ترك آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی; مانند راه رفتن و نشستن.

### ▲ تفاوت احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسأله ۱۴. «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست; یعنی مجتهد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می تواند در آن مسأله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی تواند به مجتهد دیگری رجوع کند; مانند این مسأله: «ظرف نجس را اگر يك مرتبه در آب كُر بشویند پاك می شود، هرچند احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی باشد و مقلد باید به همان احتیاط عمل کند و می تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله:

«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد، سجده نکنند».

### ▲ طهارت

در عالم همه چیز پاك است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

چیزهای نجس عبارت است از:

۱. ادرار; ۲. مدفوع; ۳. منی; ۴. مُردار (حیوانی که بطور طبیعی بمیرد); ۵. خون; ۶ و ۷. سگ و خوک; ۸. شراب; ۹. آبجو; ۱۰. کافر; ۱۱. عرق شتر نجاستخوار

ادرار و مدفوع و خون انسان و حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند (یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جاری می شود) نجس است.

ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و ادرار و مدفوع و خون حیوانهایی که خون جهنده ندارند; مانند

مار و ماهی، پاك است

مردار حیوانی که خون جهنده ندارد; مانند ماهی، پاك است.

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد; مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

حیوانی که خون جهنده ندارد; مانند مار، ماهی و پشه، خونش پاك است.

### ▲ چیز پاك چگونه نجس می شود؟

مسأله ۳۵. اگر چیز پاکي به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاك نجس می شود.

مسأله ۳۷. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسأله ۳۸. مطهّرات، اشیای نجس را پاك می کند. عمده پاك كنده ها عبارتند از:

۱. آب; ۲. زمین; ۳. آفتاب; ۴. اسلام; ۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

▲ احکام آبها

مسأله ۳۹. آب یا «مضاف» است یا «مطلق»:

«آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت.

«آب مطلق» آبی است که مضاف نباشد

مسأله ۴۰. آب مضاف:

\* ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند؛ ولی هرگز چیز نجس را پاك نمی لند (و از مطهّرات نمی باشد).

\* اگر با نجاست برخورد کند، نجس می شود؛ هرچند نجاست کم باشد و بو یا رنگ و یا مزه آب عوض نشود.

\* وضو و غسل با آن باطل است.

▲ اقسام آب مطلق

مسأله ۴۱. آب یا از آسمان می بارد که باران است، - یا از زمین می جوشد، که اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است. و یا این که نه می جوشد و نه می بارد، که اگر به مقداری که در مسأله بعد خواهد آمد، باشد «کُر» و اگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است.

مسأله ۴۲. مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر يك حدّافل ۲/۵ و جب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن ۳۸۴ کیلوگرم باشد، به مقدار کُر است.

مسأله ۴۳. آب قلبي به محض برخورد با نجاست، نجس می شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده نجس می شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاك است.

مسأله ۴۵. تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلبي، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاك است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کُر و حتّی باران در این حکم مشترکند).

▲ چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

۴۸. برای پاك کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده،

مسأله ۴۹. ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست، اگر يك مرتبه با آب کر یا آب لوله کشی بشویند کافی است؛ ولی با آب قلبي باید سه مرتبه شسته شود.

▲ زمین

اگو کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاك می شود؛ به شرط آن که عین نجاست از آن محل برطرف شود.

و زمین باید:

الف) پاك باشد.

ب) خشك باشد.

ج) خاك، شن، سنگ، آجر فرش، آسفالت و مانند اینها باشد.

#### ▲ آفتاب

مسأله ۵۵. آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) زمین و پشت بام را پاك می کند؛ ولی پاك کردن ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره، محلّ اشكال است.

مسأله ۵۶. آفتاب، زمین و پشت بام را با این شرایط پاك می کند:

الف) چیز نجس، تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

ب) با تابش آفتاب، چیز نجس خشك شود، اگر مرطوب بماند، پاك نشده است.

ج) چیزی؛ مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن که نازك باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

د) آفتاب، به تنهایی آن را خشك کند؛ مثلاً به كمك باد خشك نشود.

ه) هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

#### ▲ وضو

انسان باید برای نماز (بجز نماز میت) و برای طواف کعبه و برای تماسّ بدن با نوشته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد

#### ▲ توضیح اعمال وضو

مسأله ۶۷. در وضو انسان باید ابتدا صورت را، از جایی که موی سر رویده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آن که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بر آن بیفزاید.

مسأله ۶۸. بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

مسأله ۷۱. جای مسح، يك قسمت از چهار قسمت سر است که بالای پیشانی از فرق سر تا (جلوی سر) می باشد.

مسأله ۷۲. مسح سر، به هر مقدار که باشد کافی است.

مسأله ۷۴. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا انتهای مو را مسح کند.

مسأله ۷۵. پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقی مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل (جایی که متصل به ساق پا می شود) را نیز مسح کند.

مسأله ۷۶. در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشكال ندارد.

مسأله ۷۷. اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسأله ۷۹. محلّ مسح (سر و روی پاها) باید خشك باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشك کرد؛ ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد اشکالی ندارد.

مسأله ۸۱. محلّ مسح باید پاك باشد، پس اگر نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد باید پارچه پاکی روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمّم کند.

مسئله ۸۲. با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها وضو باطل است:

۱. آب وضو پاك باشد (نجس نباشد).
۲. آب وضو مطلق باشد (۱) (مضاف نباشد).
۳. آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد مباح باشد (غصبی نباشد).
۴. ظرف آب وضو مباح باشد
۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد
۶. اعضای وضو پاك باشد.
۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
۸. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که قبلاً گفته شد).
۱۰. رعایت مَوالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
۱۱. در کارهای وضو از دیگری كمك نگیرد.
۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. برای وضو گرفتن وقت داشته باشد.

مسئله ۹۶. مَوالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

مسئله ۹۷. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که مردم بگویند پشت سر هم وضو نمی گیرد وضوی او باطل است.

مسئله ۱۰۲. اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، لکن اگر برای وضو و تیمم يك اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

وضو جیره ای:

مسئله ۱۰۴. هرگاه زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دستهاست و روی آن باز می باشد؛ اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دستِ تر بر آن ضرر ندارد باید دستِ تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاک روی آن بگذارد و دستِ تر روی آن بکشد.

مسئله ۱۰۵. هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محلّ مسح باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاک روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنا بر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بکند.

▲ چگونه وضو باطل می شود؟

مسئله ۱۱۶. اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند وضو باطل می شود:

الف) خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان.

ب) خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

ج) چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی. (بنا بر احتیاط واجب).

د) آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت و مانند آن.

#### ▲ شیوه غسل کردن

مسئله ۱۲۸. در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسلها در عمل با یکدیگر فرقی ندارند مگر در نیت.

مسئله ۱۲۹. غسل را به دو صورت می توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن. در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را یکجا در آب فرو ببرد.

مسئله ۱۳۰. تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، (۱) در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

مسئله ۱۳۱. اگر در بین غسل، کاری که وضو را باطل می کند انجام دهد مثلاً ادرار کند غسل او باطل نمی شود، ولی برای نماز و مانند آن باید وضو بگیرد.

#### ▲ غسلهای واجب

مسئله ۱۴۰. غسلهای واجبی که مربوط به مردان است عبارتند از:

الف) جنابت؛ ب) میّت؛ ج) مسّ میّت؛ د) غسل مستحبّی که به سبب نذر واجب می شود.

#### ▲ غسل جنابت

مسئله ۱۴۱. اگر از انسان منی (۱) بیرون آید، هرچند در خواب باشد، جُنُب می شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

#### ▲ کارهایی که بر جنب حرام است

مسئله ۱۴۸. چند کار بر جنب حرام است:

الف) رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان (علیهم السلام).

ب) رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) هرچند از يك در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.

ج) توقّف در سایر مساجد و حرم امامان (علیهم السلام)؛ ولی اگر از يك در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد؛ امّا هنگامی که جنب غسل کند و یا در صورت عدم توانایی بر غسل، تیمّم کند، تمام این امور بر او حلال می شود.

د) خواندن آیه های سجده واجب که در چهار سوره قرآن آمده است: ۱. سوره سجده، ۲. سوره فُصِّلَتْ، ۳. سوره نَجْم، ۴. سوره عَلَق.

#### ▲ غسل مسّ میّت

مسئله ۱۵۲. اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که سرد شده و غسلش نداده اند برساند، باید غسل مسّ میّت کند.

#### ▲ تیمّم

مسأله ۱۵۴. در چند مورد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

الف) دسترسی به آب نداشته باشد.

ب) آب برای انسان ضرر داشته باشد ; مثلاً به سبب استعمال آب بیماری در او پیدا می شود یا بیماریش شدت می یابد و یا دیر خوب می شود.

ج) اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی هلاک می شوند یا بیمار می شوند، یا به قدری تشنه می شوند که تحمل آن سخت است (حتی حیوانی که در اختیار اوست نیز همین حکم را دارد).

د) بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری نیز ندارد.

ه) وقت به قدری تنگ است، که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

▲ دستور تیمم

مسأله ۱۵۵. در تیمم پنج چیز واجب است:

الف) نیت

ب) زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

ج) کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا روی ابروها و بالای بینی.

د) کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

ه) کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزء کف دست می باشند).

▲ چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسأله ۱۵۹. تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، صحیح است، به شرط این که پاک باشد و غصبی نباشد

▲ اقسام نماز

مسأله ۱۶۵. نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت

نماز عصر: چهار رکعت

نماز مغرب: سه رکعت

نماز عشا: چهار رکعت

مسأله ۱۸۲. لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

۱. پاک باشد.(نجس نباشد)

۲. مباح باشد.(غصبی نباشد)

۳. از اجزای مردار نباشد؛ حتی کمر بند و کلاه، ولی اگر آن را سر بریده باشند، هر چند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می توان در آن نماز خواند.

۴. از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.

۵. اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.

۶. زینت طلا مانند انگشتر طلا یا ساعت مچی طلا و مانند آن برای پسران و مردان حرام است و نماز با آن نیز باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری شود.

مسئله ۱۸۳. علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

مسئله ۱۸۵. در موارد زیر اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

الف) نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.

ب) به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن لباس هم دشوار است.

ج) لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است؛ ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم [تقریباً به اندازه يك بند انگشت] است. (۱)

د) ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد و لباس پاک هم ندارد.

▲ مکان نمازگزار

مسئله ۱۸۹. مکانی که انسان بر آن نماز می خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

الف) مباح باشد (غصبی نباشد).

ب) بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد)؛ ولی در قطار و هواپیما اگر انسان بتواند تعادل خود را حفظ کند و سمت قبله را مراعات نماید نماز خواندن مانعی ندارد).

ج) جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.

د) جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) پاک باشد.

ه) مکان نمازگزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند، ولی اگر خشک باشد، مانعی ندارد.

و) جایی که پیشانی را به سجده می گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد. (۱)

مسئله ۲۱۰. واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی غیر رُکن است

▲ واجبات نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام (ایستادن هنگام تکبیرة الإحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع)؛ رکوع؛ سجود؛ قرائت؛ ذکر؛ تشهد؛ سلام؛ ترتیب و موالات

▲ رکنهای نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام؛ رکوع؛ سجود



مسئله ۲۱۱. ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است؛ اما واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نمی شود؛ ولی اگر عمدتاً ترك شود، یا کم و زیاد شود، نماز باطل می شود

▲ نیت

مسئله ۲۱۲. نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.

مسئله ۲۱۳. به زبان آوردن نیت در نماز و سایر عبادات، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.

▲ تکبیرة الإحرام

مسئله ۲۱۶. همانگونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می شود و به آن «تَكْبِيرَةُ الإِحْرَامِ» می گویند

▲ قیام

مسئله ۲۱۹. قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بدن بخواند.

مسئله ۲۲۰. اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید برخیزد و بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده ها را بجا آورد (این همان قیام متصل به رکوع است).

مسئله ۲۲۵. واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام از روی عمد ترك شود نماز باطل است.

▲ قرائت

مسئله ۲۲۶. در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان بای اوّل حمد و بعد از آن يك سوره كامل قرآن (مثلاً سوره توحید) را بخواند

▲ سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*

به نام خداوند بخشنده مهربان.

\* «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

\* «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

بخشنده و مهربان است.

\* «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

(خداوندی که) مالک روز جزاست.

\* «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

(پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

\* «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

ما را به راه راست هدایت کن.

\* «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

راه کسانی که به آنان نعمت دادی.

\* «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ».

نه کسانی که مورد غضب واقع شده اند و نه گمراهان.

▲ سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*

به نام خداوند بخشنده مهربان.

\* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

بگو: او خداوند، یکتا و یگانه است.

\* «اللَّهُ الصَّمَدُ».

خداوند بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند.

\* «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ».

(هرگز) نژاد و زاده نشد.

\* «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است.

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر يك مرتبه هم بخواند کافی است .

▲ تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»

منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست، و جز آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از همه چیز و همه کس برتر است .

▲ رکوع

مسئله ۲۳۷. نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می گویند. و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

مسئله ۲۳۸. در رکوع، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا يك مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» ; خدای خود را، كه بزرگ است، منزه می دانم و می ستایم» بگوید.

▲ سجود

مسئله ۲۴۵. نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.

مسئله ۲۴۶. سجده آن است که اعضای هفتگانه، یعنی پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید.

مسأله ۲۴۷. در سجده سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا يك مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ يَحْمَدِهِ» ; خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزّه می دانم و می ستایم» بگوید.

مسأله ۲۵۴. سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

مسأله ۲۵۸. نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می روید، ولی خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

مسأله ۲۵۹. سجده بر فلزات مانند طلا و نقره صحیح نیست، اما سجده بر سنگ های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ های سفید و سیاه و حتی عقیق اشکال ندارد.

مسأله ۲۶۰. سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.

مسأله ۲۶۱. سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

مسأله ۲۶۲. برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می باشد و بعد از آن بدین ترتیب:

الف) خاک پاک

ب) سنگ

ج) گیاه

مسأله ۲۶۴. در چهار سوره قرآن، آیه سجده است ; که اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است.

مسأله ۲۶۷. سوره هایی که آیه سجده دارد:

الف) سوره شماره ۳۲ = سوره سجده، آیه ۱۵.

ب) سوره شماره ۴۱ = سوره فُصِّلَتْ، آیه ۳۷.

ج) سوره شماره ۵۲ = سوره نجم، آیه ۶۲.

د) سوره شماره ۹۶ = سوره عَلَق، آیه ۱۹.

▲ مُبَطَّلَاتِ نَمَازِ

مسأله ۲۸۴. آنگاه که نمازگزار، تکبیرة الإحرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است، مثل:

۱. سخن گفتن.

۲. خندیدن.

۳. گریستن.

۴. روی از قبله برگرداندن.

۵. خوردن و آشامیدن.

۶. بر هم زدن صورت نماز.

۷. کم یا زیاد کردن ارکان نماز. (۱)

▲ مواردی که شکستن نماز جایز است

مسئله ۲۹۸. رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، بنابراین احتیاط واجب؛ مگر در حال ناچاری، مانند این موارد:

۱. حفظ جان خود یا دیگری.

۲. حفظ مال مهممی از خود یا دیگری.

۳. جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

▲ شك در کارهای نماز

مسئله ۳۰۲. اگر نمازگزار در انجام یکی از کارهای نماز شك کند؛ یعنی نمی داند آن را بجا آورده است یا نه، اگر کار بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن کار نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در کار بعدی شك پیش آمده؛ به چنین شکی اعتنا نمی کند و نماز را ادامه داده و صحیح است. (مثلاً اگر در رکوع شك کند، سوره را بجا آورده یا نه، اعتنا نمی کند چون محل سوره گذشته است).

مسئله ۳۰۳. اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحت آن شك کند، یعنی نمی داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شك خود اعتنا نمی کند؛ یعنی بنا بر صحیح بودن آن می گذارد و نماز را ادامه می دهد.

▲ شکهایی که نماز را باطل می کند

مسئله ۳۰۴. اگر در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نماز مغرب، شك در رکعت نماز پیش آید، نماز باطل است.

مسئله ۳۰۵. اگر بین يك و بیشتر از يك شك کند؛ مثلاً شك کند که در رکعت اول است یا دوم، نماز باطل است.

مسئله ۳۰۶. اگر اصلاً نداند چند رکعت خوانده، نماز او باطل است.

مسئله ۳۰۸. شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد:

الف) در نماز مستحبی.

ب) در نماز جماعت.

ج) پس از سلام نماز.

د) بعد از گذشتن وقت نماز.

ه) شك کثیرالشك؛ یعنی کسی که بسیار شك می کند.

▲ نماز احتیاط

مسئله ۳۱۴. در مواردی که نماز احتیاط واجب می شود، مثل شك بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آن که صورت نماز را بهم بزند و یا یکی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسئله ۳۱۵. فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

الف) نیت آن را نباید به زبان آورد.

ب) سوره و قنوت ندارد.

ج) سوره حمد، حتی بسم الله را بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

مسئله ۳۱۶. اگر يك رکعت نماز احتیاط، واجب باشد پس از سجده ها، تشهد را می خواند و سلام می دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد در پایان رکعت دوم تشهد را می خواند و سلام می دهد.

#### ▲ سجده سهو

مسئله ۳۱۷. هر کم و زیادی در غیر ارکان نماز حاصل شود و نیز در کلام سهوی و سلام سهوی، سجده سهو بجا می آورد و همچنین در شك بین ۴ و ۵.

سجده سهو چنین است که بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بخواند. و احتیاطاً فقط سلام آخر را بگوید.

#### ▲ نماز مسافر

مسئله ۳۱۸. انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته، یعنی دو رکعت، بجا آورد؛ به شرط آن که مسافرتش (در رفت و برگشت) از هشت فرسخ کمتر نباشد. (هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۳ کیلومتر است).

مسئله ۳۱۹. اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حدّافل چهار فرسخ می رود، و چهار فرسخ برمی گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.

مسئله ۳۲۰. کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حدّافل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود، یا این که اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواهد نماز بخواند، باید تمام بخواند.

مسئله ۳۲۲. در این موارد نماز تمام است:

۱. قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود می گذرد و یا در جایی قصد دارد ده روز بماند.
۲. از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده؛ مثل کسی که به دنبال گمشده ای می گردد.
۳. قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.
۴. کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست) همچنین کسانی که برای کار یا تحصیل از جایی به جای دیگر رفت و آمد دارند.
۵. کسی که برای کارش بطور متعارف حدّافل هفته ای سه روز مسافرت می رود و آخر هفته به وطن خود برمی گردد.
۶. کسی که به سفر حرام می رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد. در همه اینها نماز تمام است.

۷. در این مکانها نیز نماز تمام است:

الف) در وطن.

ب) در جایی که بنا دارد ده روز بماند.

ج) در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می ماند یا می رود و تا سی روز به همی حالت مانده، باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

#### ▲ وطن کجاست؟

مسئله ۳۲۳. وطن، جایی است که انسان آن را برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

مسئله ۳۲۷. تا انسان قصد ماندن مستمر در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود.

مسئله ۳۲۹. اگر انسان بدون قصد ماندن مستمر و بدون قصد رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.

#### ▲ قصد ده روز

مسئله ۳۳۲. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسئله ۳۳۳. اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند

مسئله ۳۶۴. نماز جماعت، حدّ اقل با دو نفر برپا می شود، يك نفر امام و يك نفر مأوموم، مگر در نماز جمعه که حدّ اقل باید پنج نفر باشند.

#### ▲ نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند، و برتر از نماز ظهر است.

در فضیلت این نماز، همین بس که سوره ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا مؤمنان را به حضور در نماز جمعه، دعوت فرموده است.

#### ▲ چگونگی نماز جمعه

مسئله ۳۷۰. نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می شود.

مسئله ۳۷۱. احتیاط آن است که امام جمعه، حمد و سوره را بلند بخواند.

مسئله ۳۷۲. در نماز جمعه مستحبّ است در کعت اوّل پس از سوره حمد، سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد، سوره «منافقون» خوانده شود.

مسئله ۳۷۳. در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

#### ▲ شرایط نماز جمعه

مسئله ۳۷۴. در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:

الف) تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.

ب) باید به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست.

ج) حدّاقلّ تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می باشد؛ یعنی يك نفر امام، و چهار نفر مأموم.

د) بین دو نماز جمعه، حدّاقل باید يك فرسخ فاصله باشد.

#### ▲ وظیفه نمازگزاران جمعه

مسأله ۳۷۵. بنا بر احتیاط واجب مأمومین باید به خطبه ها گوش دهند.

مسأله ۳۷۶. احتیاط واجب است که از سخن گفتن بپرهیزند و چندی سخن گفتن، نماز جمعه را باطل نمی کند.

مسأله ۳۷۷. احتیاط واجب آن است که شنوندگان، هنگام ایراد خطبه ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

مسأله ۳۷۸. اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هرچند در رکوع، برساند صحیح است و رکعت دوم را خودش می خواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد

مسأله ۳۷۹. یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می شود؛ زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشیدگرفتگی)، و نیز رعد و برق شدید و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که مایه وحشت اکثر مردم شود.

#### ▲ چگونگی نماز آیات

مسأله ۳۸۰. نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد. قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می شود، ولی می توان يك سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع يك قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود. در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می آوریم:

#### رکعت اول

پس از تکبیرة الإحرام سوره حمد را بخواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید و به رکوع رود.

سپس بایستد و بگوید: «قل هو الله احد» و به رکوع رود.

بار دیگر بایستد و بگوید: «الله الصمد» و به رکوع رود.

سر از رکوع بردارد و بگوید: «لم یلد و لم یولد» و به رکوع رود.

از رکوع سر بردارد و بگوید: «و لم یکن له کفوّاً احد» و به رکوع رود.

و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوم برخیزد و در همه رکوعها ذکر رکوع مطابق معمول گفته شود.

#### رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد.

مسأله ۳۸۴. هر يك از رکوع های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسأله ۳۹۰. نماز عید دو رکعت است، با نه قنوت و این گونه خوانده می شود:

\* در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر يك قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

\* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر يك قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام بجا می آورد.

\* در قنوت های نماز عید، هر دعا و ذکر بخوانند کافی است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ النُّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِلْمُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبِيدُكَ الْوَالِدِ الْمُخْلِصُونَ».

## ▲ نماز شب

مسأله ۳۹۱. نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود:

چهار تا دو رکعت به نیت نافله شب، دو رکعت به نیت نافله شفع و يك رکعت به نیت نافله وتر.

مسأله ۳۹۲. نماز شب که پس از نیمه شب بجا آورده می شود مجموعاً ۱۱ رکعت است. که ۸ رکعت آن تحت عنوان نافله شب به صورت چهار نماز ۲ رکعتی، و ۲ رکعت دیگر به نام نماز شفع، و يك رکعت آخر به عنوان نماز وتر انجام می پذیرد. و آداب زیر در قنوت نماز وتر مستحب است:

الف) طول دادن قنوت. ب) دعا برای چهل مؤمن. ج) هفتاد بار استغفار. د) سیصد بار العفو. و اگر کسانی نتوانند مستحبات مزبور را بجا آورند می توانند قنوت آنرا مانند نمازهای معمولی بخوانند. حتی اگر کسانی وقت نداشته باشند یازده رکعت بجا آورند می توانند همان ۳ رکعت نماز شفع و وتر را بجا آورند.

مسأله ۴۱۰. دو روز از سال روزه اش حرام است: عید فطر (اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ماه ذی الحجه)

## ▲ مُبَطَّلَاتِ رُوزَه

مسأله ۴۱۳. چنان که گفتیم روزه دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را عمداً انجام دهد، روزه اش باطل می شود، به مجموعه این کارها «مُبَطَّلَاتِ رُوزَه» گفته می شود، که از جمله آنهاست:

۱. خوردن و آشامیدن.

۲. استمناء.

۳. رساندن غبار غلیظ به حلق.

۴. فرو بردن تمام سر در آب.

۵. قی کردن عمدی.

۶. دروغ بستن به خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام).

۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

## کفاره روزه

مسأله ۴۳۳. کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد (و این همان کفاره روزه است):

\* دو ماه روزه گرفتن که سی و يك روز آن باید پی در پی باشد.

\* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن يك مُد طعام (۱) به هر يك از آنها، کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این دو را انجام دهد، و اگر هیچ يك از اینها برایش مقدور نیست، باید یا ۱۸ روز روزه بگیرد و یا چند مُد طعام به فقیر بدهد و اگر نتواند، هر چند روز را که می تواند روزه بگیرد و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.



زکات اموال است و تنها نه چیز (گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره سگه دار) است که زکات واجب دارد.

مسئله ۴۵۵. مصرف زکات هشت مورد است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است:

۱. فقیر و مسکین.

۲. بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد.

۳. غیرمسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند.

۴. سبیل الله (در راه خدا); یعنی در کارهایی که برای اسلام نفع داشته باشد; مانند ساختن مسجد، کتابخانه، کارهای فرهنگی و تبلیغی و تقویت رزمندگان اسلام. (۳)

۵. ابن السبیل; یعنی مسافری که در سفر مانده و محتاج شده، به مقدار نیازش می تواند از زکات استفاده کند هر چند در محل خود غنی و بی نیاز باشد.

\* افراد ضعیف الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می شوند و تمایل به اسلام پیدا می کنند می توانند از زکات استفاده کنند.

مسئله ۴۵۶. «حج» یعنی زیارت خانه خدا و انجام اعمالی که آنها را مناسک حج می نامند و در تمام عمر يك بار بر همه کسانی که دارای شرایط زیر باشند واجب است:

۱- بالغ بودن ۲- عاقل بودن ۳- با انجام حج، عمل واجب دیگری که مهمتر از حج است ترك نشود یا کار حرامی که اهمّیتش در شرع بیشتر است بجا نیآورد. ۴- استطاعت و آن به چند چیز حاصل می شود:

۱- داشتن زادتوشه راه و آنچه در سفرش به آن محتاج است و مرکب سواری مورد نیاز، یا مالی که بتواند به وسیله آن، اینها را به دست آورد.  
۲- نبودن مانعی در راه و عدم وجود ترس از خطر و ضرر بر جان و عرض و مال خویش، که اگر راه بسته است یا ترس از خطری وجود دارد حج بر او واجب نیست، ولی اگر راه دیگری دارد هر چند دورتی است لازم است از آن راه به حج رود. ۳- توانایی جسمانی بر انجام مناسک حج. ۴- داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام مناسک. ۵- داشتن مخارج کسانی که خرج آنها بر او شرعاً یا عرفاً لازم است. ۶- داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند.

به امید موفقیت همه ی دوستان